

نهضت پیشرفت گرایی در تعلیم و تربیت

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۳/۲۰

تاریخ پذیرش و انتشار: ۱۳۹۴/۱۱/۱۱

مرجان کیان^۱

تاریخچه و فلسفه پیدایش

«نهضت پیشرفت گرایی»^۲ در تعلیم و تربیت، در سال‌های ۱۸۸۰ و ۱۸۹۰ میلادی در ایالات متحده آمریکا شکل گرفت، در دهه ۱۹۳۰ گسترش یافت و در اواسط دهه ۱۹۵۰ میلادی تقریباً متوقف شد. «پیشرفت گرایی»، بر مفهوم «پیشرفت» تأکید دارد و بر این پایه استوار است که انسان‌ها از طریق به کارگیری هوش انسانی و روش علمی در حل مسائل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، می‌توانند محیط اجتماعی خویش را بهبود بخشند (کرمین^۳، ۱۹۵۹).

بدنبال رشد پیشرفت گرایی در تعلیم و تربیت، اولین انجمن این نهضت با نام «انجمن پیشرفت گرایی در تعلیم و تربیت»^۴ به صورت رسمی در سال ۱۹۱۹ میلادی در شهر واشنگتن تأسیس شد. در آغاز تأسیس، این انجمن به عنوان جنبشی کودک محور، واکنشی در برابر برنامه‌های موضوع محور مدارس سنتی محسوب می‌شد. سپس در دهه های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ میلادی، انجمن به جذب مربیان حرفه‌ای در دانشکده‌های علوم تربیتی و روانشناسی پرداخت و بسیاری از این مربیان تحت تأثیر نظریه عمل گرای «جان دیویی»^۵ قرار گرفتند (هایز^۶، ۲۰۰۶).

اساس پیدایش نهضت پیشرفت گرایی به رویکرد اصلاح اجتماعی که در قرن بیستم در ایالات متحده آمریکا حاکم بود، باز می‌گردد. ساختار سیاسی برخاسته از نهضت پیشرفت گرایی، بیانگر بینش طبقه متوسط جامعه در قبال اصلاحات بود که به صورت تحول تدریجی از طریق قانونگذاری و نوآوری اجتماعی از مسیر آموزش و پرورش شکل گرفت.

نهضت پیشرفت گرایی ریشه در فلسفه تربیتی «پراگماتیسم»^۷ یا «عمل گرایی» دارد و به عنوان اعتراضی به اندیشه «پایدارگرایی»^۸ مطرح شده است چرا که حرکتی اصلاح گرایانه در حوزه تعلیم و تربیت را پدید آورد. پراگماتیست‌ها عقیده دارند که ذهن فعال است و فعل پذیر و گیرنده مطلق نیست بلکه جستجوگر است. ذهن با جهانی که منفک و جدا از خود باشد مواجه نیست، بلکه بخشی از جهان شناخته شده، بوسیله ذهنی که با آن آشناست شکل می‌گیرد. حقیقت فقط ناشی از تطابق افکار انسانی با واقعیت بیرونی نیست، بلکه قسمتی از واقعیت در نظر انسان وابسته به تصوراتی است که به کمک آنها به بیان آن می‌پردازد. معرفت حاصل داد و ستد میان انسان و محیط وی است و حقیقت نیز صفتی است برای معرفت (تالیسه^۹، ۲۰۰۷).

اندیشمندانی نظیر «پیرس»، «ویلیام جیمز»، «فرانسیس وایلند پارکر» و «جان دیویی» از متفکران معروف این مکتب بوده‌اند. اساس جهان‌بینی عمل‌گرایی، بر «تجربه» به مفهوم وسیع آن یعنی ادراک، احساس، تفکر، قضاوت، مقایسه، توصیف، سیر عقلانی و توجه به ارتباط امور با یکدیگر گذاشته است. محور اندیشه مکتب عمل‌گرایی، مفید بودن و عملی بودن محتوای اندیشه آدمی است. ارزش حقیقت، در گرو فایده عملی آن است. در حقیقت این فلسفه، از فرهنگ آمریکایی برخاسته است. اصولاً فرهنگ آمریکایی با فلسفه اصالت عمل، سازگارتر است؛ زیرا فرهنگی است تنوع‌گرا و دارای عناصر نامتجانس و غیر همگن. فرهنگ آمریکایی، فاقد ریشه‌های عمیق و کهن و آیین یکپارچه است. ملت آمریکا نیز از ملیت‌های گوناگون و

kian@khu.ac.ir

^۱ استادیار گروه مطالعات برنامه درسی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

2. *Progressivism*

3. *Cremin, Lawrence A. (1959). "John Dewey and the Progressive-Education Movement, 1915-1952".*

4. *Association for Progressivism in Education*

5. *John Dewey*

6. *Hayes*

7. *Pragmatism*

8. *Perennialism*

9. *Talisse*



نامتجانس که پیشینه فرهنگی اندکی دارند، تشکیل شده است. از این رو، به سنت‌های کهن، کم‌تر اعتنا می‌کنند و سنت شکنی، فردگرایی و طرفداری از تغییر و تنوع از ویژگی‌های این ملت است.

به علاوه، نهضت پیشرفت‌گرایی در راستای فلسفه «طبیعت گرایی»^۱ پیش رفت و با برخی جنبه‌های آن سازگار و از آن تأثیر پذیرفت؛ چرا که طبیعت‌گرایان نیز معتقد بودند که کودکان را باید آزاد گذاشت تا با رغبت‌ها و نیازهای خود رشد کنند. از آغاز پیدایش پیشرفت‌گرایی، پیشرفت‌گرایان در تقابل با محتوای برنامه درسی از پیش تعیین شده، بر رغبت‌های بلاواسطه کودک تأکید داشتند. اما در زیاده روی پیشرفت‌گرایان کودک مدار نسبت به علایق کودکان، عده‌ای به مخالفت برخاستند. برخی تحت تأثیر طبیعت‌گرایی «روسو» بوده و دیگران توجیه نظریه تربیتی خود را از عمل‌گرایی یا آزمایش‌گرایی اخذ کردند که همین امر موجب ایجاد تنش‌های درونی شد. هرچند که پیشرفت‌گرایی فلسفه‌های سنتی‌تری همچون ایدئالیسم، و رئالیسم را مردود می‌دانست اما تأکید ایده‌الیسم بر رشد کودک، تأثیر فراوانی بر نهضت پیشرفت‌گرایی گذاشت (هایز، ۲۰۰۶).

گزاره‌های اساسی

نهضت پیشرفت‌گرایی، گزاره‌های عمده‌ای را برای بکارگیری در عرصه تعلیم و تربیت ارائه کرده است. در بررسی آثار شاخص این نهضت، نظیر آثار جان دیویی، که در کتاب‌ها و مقالات مختلفی به طور مستقیم و یا غیر مستقیم از وی نقل شده است، این گزاره‌ها بیان شده‌اند. برای مثال در اثر سیمپسون و استاک^۲ (۲۰۱۰) با عنوان «معلمان، رهبران و مدارس: بررسی مقالات جان دیویی» این گزاره‌ها تشریح شده است. بر این اساس، در نهضت پیشرفت‌گرایی، «معلم» باید از نظر خصلت، آموزش و شیوه‌های تدریس با معلم مدارس سنتی متفاوت باشد. در واقع، معلم وظیفه ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان را بر عهده دارد تا دانش‌آموزان دست به ابداع، طراحی و اجرای پروژه‌های درسی بزنند. به علاوه، در این نهضت، «یادگیری» متکی بر مشارکت گروهی بین دانش‌آموزان است و معلمان باید به کاربرد فرایندهای کار گروهی مسلط باشند. در حقیقت معلمان باید به طور شایسته راهنمای مباحث علمی، طرح ریزی و اجرای یادگیری دانش‌آموزان باشند. بر اساس نهضت پیشرفت‌گرایی، «مواضع تعلیم و تربیت» باید به گونه‌ای باشد که کودکان را به شیوه حل مسئله برای رفع نیازهای خود تربیت کند. همان گونه که «جان دیویی» معتقد است کودکان از طریق کاربرد روش علمی، تفکر و اندیشیدن را فرا می‌گیرند (سیمپسون و استاک، ۲۰۱۰، به نقل از جان دیویی).

از نظر پیشرفت‌گرایان، «مدرسه» در متن اجتماعی و پیشبرد تحولات اجتماعی قرار دارند و تعامل بین محیط مدرسه و محیط اجتماعی و فضاهای سیاسی خارج از مدرسه باید به صورت مناسبی صورت گیرد. در نگاهی عمیق به نهضت پیشرفت‌گرایی، معلم نقش راهنما و منبع مشورت دانش‌آموزان در فعالیت‌های یادگیری را بر عهده دارند. بر اساس نهضت پیشرفت‌گرایی، «یادگیری» زمانی رخ می‌دهد که یادگیرنده به «حل مسأله» می‌پردازد. همچنین «دانستن» به معنای تعامل بین یادگیرنده و محیط، به گونه‌ای که یادگیرنده و محیط در حال تغییر مداوم هستند، در نظر گرفته می‌شود. در این نهضت، «روش تدریس» آرمانی، روش «تفکر انتقادی»^۳ است و فرایند یادگیری بیشتر اکتشافی است تا توضیحی. بدین ترتیب شیوه تدریس و چگونگی آموختن، نسبت به موضوع درسی، اهمیت والاتری دارد (همان منبع).

در مجموع، در نهضت پیشرفت‌گرایی، عناصر آموزش دارای ویژگی‌هایی خاصی هستند. از جمله، معلم، که دارای ویژگی‌های حرفه‌ای است و برای تربیت کودکان این ویژگی‌ها را به ظهور می‌رساند (هایز، ۲۰۰۶):

- به شیوه کاوش رویکرد بین رشته‌ای در علوم مختلف عمل کند.
- در یادگیرندگان انگیزه ایجاد کند و به آنها اجازه دهد تا پروژه‌های خود را ابداع، طراحی و اجرا کنند.
- چگونگی و کاربرد فرایندهای کار گروهی را بداند.

1. Naturalism

2. Simpson, D. J., & Stack, S. F., Jr. (Eds.). (2010). "Teachers, Leaders, and Schools: Essays by John Dewey".

3. Critical Thinking



- به علایق یادگیرندگان توجه کند.
- همچنین «برنامه درسی» مورد نظر پیشرفت گرایان دارای ویژگی های ذیل است:
 - آموزش از طریق روش های تدریس انفرادی و پروژه های خاص، فردی سازی می شود،
 - برنامه درسی متناسب با علایق یادگیرندگان طراحی می شود، نظیر پرداختن به مسائل روابط نژادی، مشکلات شهر نشینی، آسیب های اعتیاد و امثال این ها،
 - راهبردهای متنوع یادگیری بکار گرفته می شود،
 - دروس اختیاری و غیرتجویزی برای یادگیرندگان ایجاد می شود،
 - برنامه درسی فراتر از دیوارهای مدرسه گسترش می یابد و مسائل جامعه مورد بررسی قرار می گیرند.
- بدین ترتیب می توان اصول حاکم بر نهضت پیشرفت گرایی را چنین برشمرد:
 - شرایط و محیط تعلیم و تربیت باید برای رشد و کمال طبیعی کودک از طریق توجه به فعالیت های ابتکاری، خلاقیت و ابراز وجود کودک تدارک دیده شود.
 - آموزش باید مبتنی بر رغبت و علایق کودکان که از طریق تعامل با جهان واقعی برانگیخته می شود، هدایت شود.
 - معلم نقش هدایت کننده فعالیت های کودکان و یادگیرندگان را بر عهده دارد، نه دستور دهنده.
 - تعیین و سنجش موفقیت یادگیرندگان، بر اساس پیشرفت های ذهنی، جسمانی، اخلاقی و اجتماعی آنها صورت می گیرد.
 - به منظور تأمین نیازهای یادگیرندگان، باید بین معلم، والدین و مدرسه همکاری و تعامل مناسبی برقرار شود.
 - مدارس متکی بر تعلیم و تربیت پیشرفت گرا، همچون آزمایشگاهی برای فعالیت های خلاقانه و نوآورانه یادگیرندگان محسوب می شوند.

بنیانگذاران و حامیان مشهور

بنیانگذاران نهضت عمل گرایی در آمریکا افراد مختلفی بودند، از جمله، «چارلز ساندرس پیرس»^۱ و «ویلیام جیمز»^۲ که در شکل گیری این نهضت تلاش های فراوان داشتند. همچنین می توان به «فرانسیس وایلند پارکر»^۳، «جان دیویی»^۴ و «ویلیام کلپاتریک» اشاره کرد.

از نظر «پیرس»، عمل گرایی به برداشت خاصی از «حقیقت» مربوط می شود. لذا جوهر عمل گرایی پیرس در نظریه «معنی» نهفته است. در واقع، آزمون نهایی هر مفهوم یا فرایند، نتیجه بخشی آن در عمل است، زیرا عمل مبنا است و فایده هر فکر و اندیشه ای در عمل موجب اصالت و ارزش آن خواهد بود.

«فرانسیس وایلند پارکر»، پیشگام جنبش مدارس پیشرفت گرا در آمریکا بود. وی بر این باور بود که تعلیم و تربیت باید به رشد همه جانبه کودک در ابعاد ذهنی، جسمی و اخلاقی منجر شود. جان دیویی، وی را «پدر تعلیم و تربیت پیشرفت گرا» نامید. فرانسیس وایلند پارکر، به شدت مخالف آموزش های استاندارد شده و تمرین های درسی بی روح بود. وی بر برنامه درسی متمرکز بر کل کودک تأکید داشت و نشان داد که وظیفه تعلیم و تربیت تنها وارد کردن دانش به ذهن کودک نیست، بلکه تعلیم و تربیت باید به کودک بیاموزد که بیاندیشد و فرد مستقلی شود (کلین و همکاران^۵، ۱۹۸۷).

1. Charles Sanders Peirce
2. William James
3. Francis Wayland Parker
4. John Dewey
5. Kline, E., Moore, D. W., & Moore, S.A.

«جان دیویی» در ادامه کارهای جیمز و پیرس، به عمل گرایی علاقه‌مند شد و آموزه‌های آنان را در سیاست و تعلیم و تربیت به کار گرفت (کمپل^۱، ۱۹۹۵). وی با نگرش میانه نسبت به هر دو جبهه سنت‌گرا و پیشرفت گرایی، فلسفه‌ای متعادل نسبت به مدارس پیشرفت گرایی واقعی را معرفی کرد. از نظر او، آموزش و پرورش پیشرفت گرایی واقعی بایستی بر اساس گذشته، تجربه‌های زمان حال را بازسازی و تجربه‌های آینده را هدایت کند. فعالیت‌ها هدفمند بوده و دربرگیرنده امکانات اجتماعی و قوی منجر به رشد یادگیرنده باشد. همچنین وی معتقد بر پرهیز پیشرفت گرایان از رویاپردازی ساده لوحانه درباره ماهیت کودک بود و بر سعی آن‌ها بر پرورش یادگیرندگان بر مبنای الگوهای تحقیق هدفمند توأم با تأمل، تأکید داشت. جان دیویی با وجود هواداری از پیشرفت گرایی، معتقد بود که بایستی طوری متعادل عمل کرد که بتوان فلسفه‌ای تربیتی از نظریات هر دو جبهه سنت‌گرا و پیشرفت‌گرا شکل داد. معلم پیشرفت‌گرای حقیقی معلمی است که در ارتباط دادن شرایط درونی یادگیرنده، یعنی نیازها، علایق، قابلیت‌ها و آمال دانش‌آموز، با شرایط عینی تجربه، یعنی عوامل محیطی که جنبه تاریخی، طبیعی، اقتصادی و جامعه‌شناختی دارند، ماهر باشد (الکساندر^۲، ۱۹۸۷). معلم کسی است که از روش علمی به مثابه الگوی هوشمندانه کاوش بهره می‌گیرد و امکانات بالقوه «تجربه» را در فرایند یادگیری بکار می‌بندد.

دیویی نهضت پیشرفت گرایی را در نظام تعلیم و تربیت گسترش داد. کتاب‌های «دموکراسی و تعلیم و تربیت»^۳، «سرشت و کردار آدمی»^۴، «تجربه و طبیعت»^۵ و «طلب یقین»^۶ از جمله آثار مهم دیویی هستند. از دیدگاه دیویی، هدف تعلیم و تربیت، «جامعه دموکراتیک» است و در تعریف آن می‌گوید: جامعه مردم سالار، جامعه‌ای است که از پیدایش اختلافات و تبعیضات طبقاتی، قومی و نژادی جلوگیری می‌کند. وی می‌گوید: تعلیم و تربیت عبارت است از: بازسازی و سامان‌دهی تجربه که بر معنی‌دار شدن و عمق آن می‌افزاید و توانایی هدایت جریان تجربه را توسعه می‌بخشد. دیویی در کتاب دموکراسی و تعلیم و تربیت، چهار ویژگی برای تعلیم و تربیت را ذکر کرده است: تعلیم و تربیت به مثابه ضرورت زندگی؛ تعلیم و تربیت به مثابه کنش اجتماعی؛ تعلیم و تربیت به مثابه راهنمایی؛ تعلیم و تربیت به مثابه رشد (به نقل از پاپاس^۷، ۲۰۰۸).

از دیگر حامیان نهضت پیشرفت گرایی می‌توان به «ویلیام کلپاتریک»^۸ اشاره کرد. نگرش دیویی که آموزش و پرورش مبتنی بر تجربه بود، ویلیام کلپاتریک را مشتاق ابداع روش تدریسی نمود که هدف و فعالیت را با هم تلفیق کرده و پیامدهای اجتماعی را در عمل آزمایش کند. روش پروژه یا «عمل هدفمند» که حاصل تلفیق فلسفه تربیتی پیشرفت گرایی و آزمایش گرایی کلپاتریک بود؛ الگوی شاخص آموزش و پرورش برای بسیاری از پیشرفت گرایان شد. این روش، اتکای آموزش و پرورش را بر آموزش کتاب محور مردود دانسته و آن‌ها را تجارب دست دومی می‌دانست که به صورت مکانیکی سازماندهی شده‌اند. به طوری که معتقد بود ارزیابی معلمان سنت‌گرا از دانش‌آموزان کتاب محوری که تنها موظف به ارائه محفوظات بودند باعث کم شدن خلاقیت فرد گشته و فاقد هدف‌های اجتماعی همیارانه است. روش پروژه در مقابل روش سنتی؛ روش مشکل‌گشایانه معرفی شد. در این روش، دانش‌آموزان بایستی کار خود را در قالب فعالیت‌ها یا پروژه‌هایی که زمینه ساز تلاش‌های هدفمند باشد انتخاب، طراحی، هدایت و اجرا کنند. موفقیت در یادگیری وظیفه مدار از طریق حل مسأله و آزمون عملی آن حاصل می‌شود (نال^۹، ۱۹۹۶).

کیلیپاتریک همچون دیویی معتقد بود که آموزش و پرورش به مثابه فعالیت اجتماعی، محصول مشارکت و همکاری انسانی است. روش پروژه برای کارهای گروهی که در آن دانش‌آموزان می‌توانند ضمن همکاری، مسائل مشترک را پیگیری کنند و در پژوهش مشارکتی سهیم شوند، مناسب است. فرد تربیت یافته‌ای که کیلیپاتریک بر پایه همکاری هدفمند مدنظر داشت شامل فرد دموکرات بود. چنین فردی از گرایش آزمایش‌گری برخوردار بوده و تمایل دارد که سنت‌ها، ارزش‌ها و باورهای موروثی را محک بزند. دانش‌آموزان از طریق روش پروژه با چگونگی اعمال شیوه‌های دموکراتیک بحث آزاد، اندیشه‌ورزی

1. Campbell
2. Alexander
3. Democracy and Education
4. Human Nature and Conduct
5. Experience and Nature
6. The Quest for Certainty
7. Pappas
8. William Kilpatrick
9. Knoll



مستدل و دقیق، تصمیم‌گیری‌هایی که حقوق اکثریت و اقلیت را محترم بدارد و عملی که زمینه ساز دگرگونی آرام اجتماعی باشد، آشنا خواهند شد.

نقد و جمع بندی

نهضت پیشرفت گرایی به طور همزمان در کنار نهضت ساخت برنامه درسی به شیوه علمی (نهضت برنامه‌ریزی درسی) به حیات خود ادامه داد. نهضت ساخت برنامه درسی به شیوه علمی، با فعالیت صاحب‌نظرانی نظیر بابیت، چارترز و تایلر، در طرف مقابل نهضت پیشرفت‌گرایی قرار داشت. در مقایسه می‌توان گفت، نهضت پیشرفت‌گرایی بر رشد کودک، نیازها و علایق یادگیرندگان و برنامه‌های درسی غیرتجویزی تأکید دارد اما نهضت ساخت برنامه درسی به شیوه علمی، غالباً بر طراحی سیستمی برنامه درسی بر اساس اهداف از پیش تعیین شده و نتایج مشخص، استوار بوده است.

دستاورد اساسی نهضت پیشرفت گرایی در تعلیم و تربیت، توجه به کودک و زمینه‌های تجربی یادگیری او است که می‌تواند متناسب با نیازها و علائق او، نتایج گسترده‌ای در فرایند یادگیری به دنبال داشته باشد. در عین حال نقدهایی بر نهضت پیشرفت گرایی وجود دارد که به آن اشاره می‌شود. برای مثال، اورز^۱ (۱۹۹۸)، پژوهشگر مؤسسه هوور^۲ در نقد پیشرفت گرایی دیویی بیان می‌دارد:

«با وجود تأکید پیشرفت گرایی بر تجربه کردن در یادگیری، اما همچنان برای یادگیری‌های موضوعات و مهارت‌های اساسی، نظیر خواندن، نوشتن، ریاضیات، به آموزش‌های صریح و سازماندهی شده نیاز است. در واقع برای رسیدن به درک مفهومی از تمام موضوعات درسی، آموزش صریح و هدفمند لازم است و این درک مفهومی بدون تلاش سخت و عمیق در موضوعات درسی امکان پذیر نیست.»

از سوی دیگر، پیشرفت‌گرایان معتقدند که یادگیری در مدرسه عین زندگی است نه آماده شدن برای زندگی. در نتیجه، مدرسه نیز باید تا آنجا که ممکن است به جامعه بیرون از مدرسه نزدیک شود و دیواری را که میان مدرسه و جامعه وجود دارد از میان بردارد. این درحالی است که در اکثر جوامع، مدرسه یک موقعیت مصنوعی است که بوسیله جامعه سازمان داده می‌شود. حتی بسیاری از مطالبی که به دانش‌آموزان آموخته می‌شود نه تنها کاربردی برای آنها ندارد بلکه ارتباطی با دنیای واقعی آنها ندارد. شاید بتوان گفت که پیشرفت‌گرایان، این نکته را نادیده گرفته‌اند و در اعتقاد خود راه تعصب را در پیش گرفته‌اند (اسپرونیس^۳، ۱۹۸۰). البوت آیزنر^۴ (۱۹۹۶)، نیز در کتاب تصورات تربیتی، نظریه پیشرفت گرایی را تحلیل کرده و با ارائه انتقادهایی بر آن، ایدئولوژی «کثرت گرایی شناختی» را به عنوان ایدئولوژی مطلوب معرفی می‌کند. وی بر توجه به اشکال مختلف بازنمایی دانش در برنامه درسی مدارس تأکید می‌ورزد و معتقد است از آنجایی که استعدادها و توانمندی‌های کودکان متفاوت است، مدارس باید با ایجاد دامنه وسیعی از برنامه‌های درسی که مستلزم استفاده از اشکال مختلف قابلیت‌های ذهنی است، برنامه‌هایی متناسب با استعدادهای گوناگون یادگیرندگان طراحی نمایند.

منابع

- Alexander, Thomas (1987). *John Dewey's Theory of Art, Experience, and Nature*. New York: SUNY Press.
- Campbell, James (1995). *Understanding John Dewey: Nature and Cooperative Intelligence*. Chicago: Open Court Publishing Company.
- Cremin, Lawrence A. (1959). John Dewey and the Progressive-Education Movement, 1915-1952. *The School Review*, Vol. 67, No. 2, pp. 160-173. Published by: University of Chicago Press. Available at: http://www.jstor.org/stable/1083643?seq=1#page_scan_tab_contents.
- Eisner, E. (1994). *The Educational Imagination*. Third Edition. New York: MacMillan Publishing Company.
- Evers, Williamson. M. (1998). How Progressive Education Gets it Wrong. *Hoover Digest*, No. 4. Available at: <http://www.hoover.org/publications/hoover-digest/article/6408>.

1. Evers
2. Hoover
3. Sperounis
4. Eisner



Hayes, William (2006). *The progressive education movement: Is it still a factor in today's schools?* Maryland: Rowman & Littlefield Education.

Kline, E., Moore, D. W., & Moore, S.A. (1987). Colonel Francis Parker and beginning reading instruction. *Reading Research and Instruction*, 26, pp: 141-150.

Knoll, Michael (1996). Faking a dissertation: Ellsworth Collings, William H. Kilpatrick and the project curriculum. *Journal of Curriculum Studies* 28, No. 2, pp: 193-222.

MacMillan Publishing Company.

Pappas, Gregory (2008). *John Dewey's Ethics: Democracy as Experience*. Bloomington: Indiana University Press.

Simpson, D. J., & Stack, S. F., Jr. (Eds.). (2010). *Teachers, leaders, and schools: Essays by John Dewey*. Carbondale, IL: Southern Illinois University Press.

Sperounis, P. Frederick (1980). *The limits of progressive school reform in the 1970's: a case study*. Maryland: University Press of America.

Talisse, Robert B. (2007). *A Pragmatist Philosophy of Democracy*. London: Routledge.